



**بیان**

مجله علمی - دانشجویی زبانشناسی دانشگاه الزهرا  
سال چهارم - شماره پنجم  
بهار ۱۳۹۳ - قیمت ۱۰۰۰ تومان

**رده‌شناسی زبان، چستی و تاریخچه آن**

**بررسی اجمالی نظریات ویتگنشتاین در دو دوره متقدم و متاخر**

**معرفی رویکرد نشانه‌شناسی اجتماعی**

**زبان‌شناسی زیست محیطی**

# بلبل

۴	رده‌شناسی زبان، چستی و تاریخچه آن
۶	بررسی اجمالی نظریات ویتگنشتاین در دو دوره متقدم و متاخر
۱۰	معرفی رویکرد نشانه‌شناسی اجتماعی
۱۴	اند نوت (ENDNOTE)
۱۶	زبان‌شناسی زیست محیطی

مجله علمی- دانشجویی زبان‌شناسی دانشگاه الزهرا (س)  
صاحب امتیاز: انجمن علمی دانشجویی زبان‌شناسی  
مدیر مسئول: آرزو سلیمانی  
سر دبیر: ثمینہ رازقی  
ویراستار: مہناز طالبی  
هیئت تحریریه: (به ترتیب حروف الفبا): هما اسدی، فرانک جمال الدین، نینا حسینی،  
ثمینہ رازقی، آرزو سلیمانی، مہناز طالبی  
با سپاس از: سرکار خانم زہرا وزیر (کارشناس نشریات)  
طراح لوگو: آذر عزتی  
طراح جلد و صفحه‌آرا: غلام رضا قدرتی  
ایتوگرافی: طہ  
چاپ و صحافی: چاپخانه دانشگاه الزہرا (س)  
مسئولیت کلیہ مطالب بر عہدہ دانشجو می‌باشد.  
نشانی: تہران، میدان ونک، خیابان ونک،  
میدان شیخ بہایی، دانشگاه الزہرا (س)  
تلفن: ۰۲۹۲۰۴۱۳۴۳-۸۸۰ داخلی ۲۹۲  
صندوق پستی: ۱۹۹۳۸۹۱۱۷۶۴



## سر مقاله

---

ثمینه رازقی

---

شاید همه ما به عنوان دانشجویان رشته زبان‌شناسی، بارها با این پرسش مواجه شده‌ایم که در این رشته چه زبانی مطالعه می‌شود و بدون شک همه این پاسخ را داده‌ایم که زبان‌شناسی در خصوص یک زبان خاص نبوده بلکه اساساً زبان و جنبه‌های مختلف آن مورد بررسی قرار می‌گیرد. علاوه بر این، با توجه به استفاده از زبان در همه زمینه‌ها و رشته‌ها، امکان بررسی‌های بینا رشته‌ای نیز محیا گشته است. این رشته گرچه تا حدودی مورد بی‌مهری قرار گرفته و در اذهان عمومی ناشناخته باقی مانده است، اما در بستر خود شاهد رشد و گسترش روزافزون است.

با توجه به حیطه گسترده‌ای که زبان‌شناسی در بر می‌گیرد، در این شماره بر آن شدیم تا به گستره‌های جدید در زبان‌شناسی مانند زبان‌شناسی زیست‌محیطی بپردازیم. موضوع دیگری که به آن اشاره خواهد شد، فلسفه و چیستی زبان از دیدگاه ویتگنشتاین است. دو مبحث رده‌شناسی زبان و تحلیل گفتمان نیز در این شماره پیش روی علاقه‌مندان قرار خواهد گرفت.

### مقدمه

رده‌شناسی<sup>۱</sup> شاخه‌ای علمی است که به دسته‌بندی پدیده‌های مورد مطالعه می‌پردازد. سابقه این شاخه علمی به زیست‌شناسی و روان‌شناسی باز می‌گردد (دبیر مقدم، ۱۳۹۲: ۱). رده‌شناسی زبان نیز یکی از زیربخش‌های زبان‌شناسی است که بر اساس ویژگی‌های ساختاری زبان‌ها به طبقه‌بندی آنها می‌پردازد. به عبارت دیگر این شاخه به بررسی تفاوت‌های زبان‌ها در حوزه‌های مختلف پرداخته و الگوهای حاکم بر این تفاوت‌ها را توصیف و تبیین می‌کند. به این ترتیب احساس می‌شود رابطه تنگاتنگی بین رده‌شناسی و همگانیهایی زبانی<sup>۲</sup> وجود دارد. مطالعه درباره جهانی‌ها با هدف یافتن ویژگی‌های مشترک بین زبان‌ها انجام می‌شود، درحالی‌که رده‌شناسی زبانی در پی یافتن تمایزهای بین زبان‌هاست. به بیان روشن‌تر رده‌شناسی به مطالعه تفاوت‌ها و جهانی‌ها به مطالعه شباهت‌های بین زبان‌ها می‌پردازند. این دو رویکرد مکمل یکدیگر هستند و همواره به موازات هم پیش رفته‌اند.

اولین بار واژه رده‌شناسی در سال ۱۹۰۱ توسط گابلنتس<sup>۳</sup> زبان‌شناس آلمانی از مکتب نودستوریان وارد مطالعات زبان‌شناختی شد، و از سال ۱۹۲۸ این اصطلاح در زبان‌شناسی باب شد.

### انواع رده‌شناسی

گرین‌برگ در کتاب (۱۹۷۴) خود به بررسی تمایز بین دو رویکرد در مطالعات رده‌شناختی پرداخته است. او این دو رویکرد را فردیت‌گرا<sup>۴</sup> و تعمیم‌گرا<sup>۵</sup> می‌نامد. رویکرد فردیت‌گرا به وجود یک ویژگی و هویت انحصاری در یک زبان در میان یک دسته زبانی است. این رویکرد از مفاهیمی چون هویت، روح ملی و جهان‌بینی برای تبیین پدیده‌های زبانی استفاده می‌کند. در رویکرد تعمیم‌گرا هدف دستیابی به تعمیم‌های قانون‌گونه است که به جنبه‌هایی از زبان می‌پردازد و نه کل آن. در رده‌شناسی امروزی منظر غالب همین رویکرد دوم است، یعنی مقایسه بین‌زبانی زبان‌های خاص در جهت رسیدن به تعمیم‌های زبانی.

کرافت (۲۰۰۳: ۲-۱) یک طبقه‌بندی سه‌تایی برای رویکردهای مختلف رده‌شناسی ارائه می‌کند؛

الف- طبقه‌بندی رده‌شناختی: قرار دادن یک زبان در گروهی خاص با توجه به ویژگی‌های ساختاری یا نحوی، مانند رده‌بندی زبان‌ها در قرن نوزدهم که بر اساس ساختار به انواع پیوندی<sup>۶</sup>، تصریفی<sup>۷</sup>، تحلیلی<sup>۸</sup> و گسسته<sup>۹</sup> تقسیم شدند.

ب- تعمیم رده‌شناختی: یافتن الگوهای نظاممند در زبان‌ها که همان جهانی‌های زبان هستند. این شاخه با مطالعات گرینبرگ<sup>۱۰</sup> آغاز می‌شود. در این روش ابتدا الگوهای جهانی کشف می‌شوند و سپس به یافتن تلوینحات این الگوها که همان جهانی‌های<sup>۱۱</sup> تلوینحی است می‌پردازند.

ج- رده‌شناسی نقش‌گرا: با هدف یافتن تبیین‌های نقشی برای الگوهای مشاهده شده انجام می‌شود.

البته از دیدگاهی دیگر می‌توان دسته‌بندی دیگری نیز برای رده‌شناسی زبان قائل شد. این تقسیم‌بندی با توجه به این‌که کدام یک از دستگاه‌های زبان ملاک تعیین تفاوت‌ها قرار بگیرند به سه دسته؛ رده‌شناسی واج‌شناختی، رده‌شناسی صرفی، رده‌شناسی نحوی و رده‌شناسی معنایی تقسیم می‌شوند که درباره هر یک از این انواع، رویکردهای گوناگونی شکل گرفته است.

### تاریخچه مطالعات رده‌شناختی

گرینبرگ (۱۹۷۴) می‌گوید، نخستین رده‌شناسی ساختاری از طرف فردریک وون اشلگل<sup>۱۲</sup> (۱۸۰۸) مطرح شد. وی در این اثر زبان‌ها را به دو گروه دارای وند و دارای تصریف طبقه‌بندی کرد. سپس برادرش آگوست وون اشلگل در سال ۱۸۱۸ گروه سوم با عنوان زبان‌های بدون ساخت دستوری یا زبان‌های گسسته را به آن‌ها اضافه کرد. گام بعدی در این روند تکاملی توسط ویلهلم وون هومبولت<sup>۱۳</sup> برداشته شد. وی رده‌چهارم را با عنوان زبان‌های انضمامی<sup>۱۴</sup> به این طبقه‌بندی افزود.

حد فاصل بین رده‌شناسی ساختاری قرن نوزدهم و رده‌شناسی نوین آرائی ساپیر در کتاب زبان<sup>۱۵</sup> وی معتقد است که نمی‌توان زبانی را به طور قطع متعلق به یکی از رده‌های زبانی دانست بلکه هر زبانی می‌تواند

ویژگی چند رده زبانی را با هم داشته باشد، در نتیجه رده یک زبان بر اساس گرایش کلی آن زبان تعیین می‌شود.

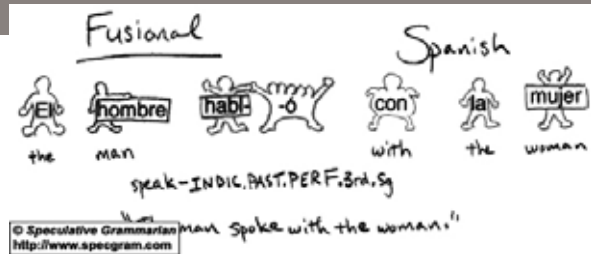
گام مهم بعدی در این زمینه توسط رومن یاکوبسن<sup>۱۶</sup> از مکتب پراگ برداشته شد. وی واضح همگانی‌های تلوینحی بود به این معنا که اگر عنصر X در زبانی یافت شود آنگاه عنصر Y نیز قطعا در آن زبان وجود دارد. مثال‌های یاکوبسن در زمینه واج‌شناسی بود.

گرینبرگ در سال ۱۹۶۳ در کتاب همگانی‌های زبان<sup>۱۷</sup> بر مبنای سه عامل الف) جایگاه حرف اضافه نسبت به مکمل خود (ب) ترتیب احتمالی فاعل- فعل- مفعول (ج) جایگاه صفت در گروه اسمی و بر اساس داده‌های ۳۰ زبان تعداد ۴۵ همگانی زبان را پیشنهاد کرد و بر این اساس یک رده‌شناسی سه‌سویه را به صورت SOV, SVO, VSO برای همه زبان‌های دنیا معرفی کرد. پس از گرینبرگ جهانی‌های وی ملاک کار اغلب رده‌شناسان قرار گرفت.

ونمان<sup>۱۸</sup> (۱۹۷۲) رده‌شناسی سه‌سویه گرینبرگ را به یک رده‌شناسی دوسویه تقلیل داد و در آن زبانها را به دو رده با توالی VO, OV تقسیم‌بندی کرد.

دراپر<sup>۱۹</sup> (۱۹۹۲) تعداد ۲۰ ملاک را تنظیم کرده و آنها را بر روی ۱۲۲۸ زبان پیاده کرد و به این نتیجه رسید که ۴۹۲ زبان رفتار SOV و ۴۳۵ زبان رفتار SVO دارند و بقیه ساخت‌ها به تعداد محدودی در زبان‌ها یافت می‌شوند.

کین<sup>۲۰</sup> (۱۹۹۴) پیشنهاد کرد که تنها توالی ممکن در همه زبان‌های دنیا توالی فعل-مفعول (VO) است. استدلال وی به این‌گونه بود که از آنجا که ترتیب فعل-مفعول (VO) و مفعول-فعل (OV) در بیشتر زبان‌های دنیا دیده می‌شود باید مشخص‌گر<sup>۲۱</sup> را نیز به این توالی افزود تا بتوان یکی از دو ساخت حاصل یعنی SVO, OVS را به عنوان



## منابع

- افراشی، آریتا. (۱۳۸۶). «رده‌شناسی شناختی». پازند، فصلنامه علمی زبان. شماره‌های ۸ و ۹ بهار و تابستان
- البرزی ورکی، پرویز. (۱۳۸۱). «رده‌شناسی ساخت‌واژی». مجله پژوهش زبان‌های خارجی، شماره ۲، بهار و تابستان
- حامدی شیروان، زهرا و شریفی، شهلا. (۱۳۹۲). «بررسی رده شناختی مقوله قمر در ساخت رویدادی افعال حرکتی در زبان فارسی». فصلنامه جستارهای زبانی، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۳، ۸۹-۷۱.
- دین‌محمدی، غلامرضا. (۱۳۸۲). «رده‌شناسی در چهارچوب نظریه اصول و پارامتراها». مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، بهار، ۱۸۴-۱۶۹.
- دبیرمقدم، محمد. (۱۳۸۴). «بررسی سلسله مراتب رده شناختی مربوط به حوزه آرایش واژه‌ها در زبان فارسی گفتاری». فصلنامه جستارهای ادبی، شماره ۱۴۹، ۱۱۲-۸۵
- دبیرمقدم، محمد. (۱۳۹۲). رده‌شناسی زبان‌های ایرانی. جلد اول و جلد دوم. چاپ اول. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت) رضائی، حدائق. (۱۳۹۰). «جایگاه هسته در زبان فارسی: تاملی از دیدگاه رده‌شناسی در زمانی». مجله پژوهش‌های زبان‌شناسی. سال سوم، شماره دوم، ۴۶-۳۵.
- شریفی، شهلا و اخلاقی، الهام. (۱۳۹۱). «معرفی رویکرد معیار در رده‌شناسی صرفی و نمود آن در برخی گویش‌ها و زبان‌های رایج در ایران». دوفصلنامه علمی پژوهشی زبان‌پژوهی. سال پنجم شماره ۹، پاییز و زمستان
- شریفی، شهلا. (۱۳۸۷). «آرای هاوکینز در حوزه رده‌شناسی آرایش واژه‌ها و بررسی انطباق یا عدم انطباق این آرا بر آرایش واژه‌ها در زبان فارسی امروز». فصلنامه زبان و زبان‌شناسی. شماره ۷، بهار و تابستان
- صراحی، محمد امین و علی‌نژاد، بتول. (۱۳۹۲). «رده‌شناسی واژه‌بست در زبان فارسی». مجله زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان. شماره ۱، بهار و تابستان، ۱۳۰-۱۰۳.
- گلفام، ارسلان. (۱۳۷۹). «شبهات‌ها و تفاوت‌های زبانی: جهانی‌ها و رده‌شناسی». مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران
- معین‌زاده، احمد. (۱۳۸۴). «زبان فارسی به مثابه زبانی هسته آغازین». مجله زبان و زبان‌شناسی. سال اول شماره دوم، ۱۲۹-۱۳۵.
- Comrie, Bernard. (1981). *Language universals and linguistic typology: syntax and morphology*. Chicago: University of Chicago press.
- Croft, Wiliam. (2003). *Typology and Universals*. Cambridge: Cambridge University press.
- DabirMoghaddam, Mohammad. (2001). «Word Order Typology of Iranian Languages». *The InternationlJurnal of Humanities*. 8, 2. 17- 23
- DabirMoghaddam, Mohammad. (2012). «Linguistic Typology: An Iranian perspective». *Journal of Universal Language*. 31-70
- Dryer, M.S. 1988. «Object-verb order and adjective-noun order: dispelling a myth». *Lingua*. 74. 185-217.
- Dryer, Matthew s. (1992). «The Greenbergian Word order Correlation». *Language*. 68. 81-138
- Dryer, Matthew s. (2011). «The evidence for word order correlations: a response to Dunn, Greenhill, Levinson and Gray's paper in Nature». *Linguistic Typology*. 15. 335 – 380
- Dryer, Matthew s. (2005/6). «Word order». *Language Typology and Syntactic Description*. 1
- Greenberg, J.H. (ed.). (1963) *Universals of Language*. Second Edition. Cambridge: Cambridge, Mass: MIT Press.
- Greenberg, J.H. (1966). «Some universals of grammar with particular reference to the order of meaningful elements». in J.H. Greenberg (ed), *Universals of language*, 2 ed. Cambridge: MA: MIT Press, 73-113.
- Kayne, Richard. (1994) *The Antisymmetry of Syntax*. Cambridge, Mass: MIT Press.
- Haspelmath, Martin. (2005). «Universals Of Word order». *LSA Institute, MIT, LSA*. 206

زیر ساخت در نظر گرفت. در نهایت وی بر اساس استدلال‌های ارائه شده ترتیب SVO را به عنوان ساختی که همه ساخت‌های دیگر از آن مشتق شده معرفی می‌کند.

برنارد کامری<sup>۲۲</sup> (۱۹۸۱) از دیدگاه نحو وساخت‌واژه به بررسی علم رده‌شناسی زبان پرداخته است. وی در این اثر به مباحث اصلی مطرح در رده‌شناسی من جمله جهانی‌های تلویحی و رده‌شناسی در زمانی پرداخته و طی آن نمونه‌هایی از زبان‌های مختلف را شاهد آورده است. مطالعات رده‌شناختی به زبان فارسی

در زمینه رده‌شناسی به زبان فارسی می‌توان به آثار گلفام (۱۳۷۹)، البرزی ورکی (۱۳۸۱)، دین‌محمدی (۱۳۸۲)، دبیر مقدم (۱۳۸۴)، معین‌زاده (۱۳۸۴)، افراشی (۱۳۸۶)، شریفی (۱۳۸۷)، رضایی (۱۳۹۰)، دبیرمقدم (۱۳۹۲)، شریفی و اخلاقی (۱۳۹۱)، شیروان و شریفی (۱۳۹۲)، صراحی و علی‌نژاد (۱۳۹۲) اشاره کرد. اما بدون شک جامع‌ترین اثر در زبان فارسی کتاب وزین دوجلدی دکتر محمد دبیر مقدم با عنوان رده‌شناسی زبان‌های ایرانی (۱۳۹۲) است. وی در این کتاب پس تعریف و بررسی تاریخ مطالعات رده‌شناختی در یک فصل جداگانه، به بررسی رده‌شناختی آرایش واژه‌ها و نظام مطابقه در دوازده زبان ایرانی پرداخته است.

- 1 .typology
- 2 . linguistic universals
- 3 .Geor von der Gabelentz
- 4 .individualizing
- 5 .generalizing
- 6 . agglutinative
- 7 . inflectional
- 8 . analytic
- 9 . isolating
- 10 . Greenberg, J.H.
- 11 . implicational universals
- 12 . Fredrich von Schlegel
- 13 . Wilhelm von Humboldt
- 14 . incorporating
- 15 . Language
- 16 . Roman Jakobson
- 17 .Universals of language
- 18 .Vennemann
- 19 .MatheewDryer
- 20 .Kayne
- 21 .Specifier
- 22 . Bernard Comrie



## بررسی اجمالی نظریات ویتگنشتاین در دو دوره متقدم و متاخر نظریه تصویری و نظریه ابزاری زبان

ثمینه رازقی

دانشجوی دکتری زبان شناسی، دانشگاه الزهرا (س)

### چکیده

ویتگنشتاین، بزرگ‌ترین فیلسوف قرن بیستم، دارای دو اندیشه فلسفی است که محصول آن دو کتاب مهم و تاثیرگذار در فلسفه قرن بیستم است. رساله منطقی فلسفی، اندیشه‌های ویتگنشتاین را در دوره نخست به تصویر می‌کشد و تحقیقات فلسفی، چکیده و نمره یک دوره ۱۶ ساله از اندیشه‌های متاخر فلسفی ویتگنشتاین است. هر دو کتاب، نقش تعیین‌کننده‌ای در تفکرات فلسفی معاصر، به ویژه در میان پوزیتیویست‌های منطقی و پیروان حلقه وین داشته است. پس از آن نیز در فلسفه تحلیلی یا فلسفه زبان و نیز فلسفه زبان متعارف تاثیرگذار بوده است. ویتگنشتاین در فلسفه اولیه اش (نظریه تصویر) بر این باور است که زبان، واقعیت را به تصویر می‌کشد و جمله‌ها نماینده‌ها و ضاع واقعی در جهان هستند. اودرپژوهش‌های فلسفی تصور کاربردی یا ابزاری معنا را به کار می‌برد و معتقد است زبان که تعیین‌کننده چگونگی تفکر ما درباره جهان واقعی است، تنها یکی از انواع "بازی‌های زبانی" در میان تعداد نامحدودی از سایر انواع بازی‌های زبانی است و کاربرد متعدد و متنوعی دارد. واژه‌های کلیدی: ویتگنشتاین، نظریه تصویری زبان، گزاره‌های اولیه نظریه کاربرد، بازی‌های زبانی

### ۱. مقدمه

لودویگ ویتگنشتاین در طول حیات خود طی دو دوره، دو فلسفه متقدم و متاخر را به وجود آورد که هرکدام نوآوری‌های خاص خود را دارد و وجه اشتراک هر دو در این است که به مسأله زبان از دید فلسفی می‌پردازند. قائمی نیا (۱۳۷۲) بر این باور است که اهمیت فلسفه ویتگنشتاین از سه جهت قابل بررسی است که یکی از آن‌ها به فلسفه تحلیلی زبان است که از دهه سوم به بعد در قرن حاضر پدید آمد. در فلسفه متقدم مسأله اصلی ویتگنشتاین نسبتی است که بین زبان و جهان مطرح است و وی در این‌جا نظریه تصویری را مطرح می‌سازد. در فلسفه متاخر، ویتگنشتاین با رد نظریات پیشین خود، بر این باور است که فلسفه وظیفه اساساً چیزی نیست جز شناسایی ریشه‌های سوء تفاهم در مشکلات فلسفی. در این‌جا دیگر نباید به دنبال معنا بود، بلکه باید به کاربرد زبان توجه کرد. به طور کلی می‌توان این‌گونه خلاصه کرد که هر دو فلسفه ویتگنشتاین بر آن هستند تا حد و مرز زبان را مشخص سازند. در این جستار سعی بر آن است تا نظریات ویتگنشتاین در دو دوره فکری کاملاً متفاوت مرور شده و این آراء به صورت خلاصه مورد بررسی قرار بگیرند.

### ۲. ویتگنشتاین اول و نظریه تصویری زبان

رساله منطقی - فلسفی، برای اولین بار در سال ۱۹۲۱ به زبان

آلمانی در «سالنامه فلسفه طبیعت» منتشر شد. طلعتی (۱۳۸۲) در توضیح رساله می‌نویسد "در دو مبحث نظریه منطقی و نظریه تصویری، مواضع هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی، فلسفی و منطقی ویتگنشتاین به نمایش گذاشته می‌شود. در واقع، بحث رساله با بحث هستی‌شناختی راجع به جهان، امر واقع و واقعیت آغاز می‌شود."

نظریه تصویری زبان، آموزه‌ی اصلی رساله منطقی فلسفی ویتگنشتاین و در حقیقت نمایان‌گر دوره نخست فکری فلسفی اوست. در توضیح مختصر این نظریه می‌توان گفت وی به این عقیده قائل است که زبان تصویر واقعیت و تنها کارکرد آن بیان واقعیت است. تشبیه زبان به تصویر برای بیان این نکته است که زبان نیز مانند تصویر، همواره وضع خاصی را نشان می‌دهد و همواره تابع آن چیزی است که زبان تصویر آن است. به‌وسیله زبان و تشکیل قضایا می‌توان با واقعیت ارتباط برقرار کرد. اما قضایایی که مستقیماً باعث ارتباط با جهان می‌شوند قضایای ساده یا اولیه هستند و هر قضیه ساده‌ای تصویر یک واقعیت بسیط است.

در این‌جا ویتگنشتاین با ارائه نظریه تصویری معروف خود بیان می‌کند «زبان به منزله تصویر واقعیت» است و در واقع، هر قضیه تصویری از امر واقع بوده (رساله ۴،۰۱) و انواع گوناگون قضیه‌ها می‌توانند به صورت‌های متفاوت، واقعیت یا امور واقع را به تصویر بکشند. این که اجزای یک تصویر به نحوی معین با یکدیگر نسبت دارند، بیان‌گر این امر است که اشیاء نیز همان‌گونه با یکدیگر نسبت دارند (رساله ۱۵/۲). بنا بر عقیده ویتگنشتاین، زبان ذاتاً دارای ویژگی تصویری است و وظیفه واقعی آن، توصیف امور واقع یا واقعیت است. بر اساس این نظریه، بین تصورات ذهنی انسان و زبان، تناظر و رابطه‌ای مستقیم وجود دارد و زبان و اندیشه انسان وقتی با واقعیات جهان هستی رابطه و تناظری منطقی برقرار نمایند، معنا و حقیقت پیدا می‌کنند.

به اعتقاد ندرلو (۱۳۹۰)، هسته مرکزی دیدگاه فلسفی مدرن ویتگنشتاین که در رساله منطقی - فلسفی عرضه شده است، نظرگاه وجود شناسی زبانی<sup>۱</sup> است که در قالب نظریه تصویری زبان<sup>۲</sup> (که نظریه‌ای فلسفی درباره زبان است) عرضه شد. همان‌طور که ذکر شد، بنابر نظریه تصویری، زبان شامل گزاره‌ها<sup>۳</sup> است، گزاره تصویری از واقعیت است و با ساخت یک جمله، [مدلی] از واقعیت ساخته می‌شود (نورمن، همان).

### ۲،۱. انواع گزاره‌ها

ویتگنشتاین بیان می‌کند همه گزاره‌ها را می‌توان به گزاره‌های اولیه<sup>۴</sup> تحلیل کرد و از همین رو، ارزش آن‌ها تابع ارزش‌هایی<sup>۵</sup> از گزاره‌های اولیه است؛ یعنی، صدق و کذب آن‌ها، تابعی از صدق و کذب گزاره‌های اولیه است. گزاره‌های اولیه، ترکیب‌هایی بی‌واسطه از نام‌ها<sup>۶</sup> حقیقی و واقعی هستند که مستقیماً به چیزها<sup>۷</sup> ارجاع دارند.

گزاره‌های اولیه تصویرهای منطقی امور واقع<sup>۸</sup> بسیط‌اند و نمی‌توان آن‌ها را به گزاره‌های کوچک‌تر تجزیه و تحلیل کرد.<sup>۱۰</sup> امور واقع بسیط با یکدیگر ترکیب شده و امور واقع پیچیده تری را تشکیل می‌دهند، که آن‌ها نیز به نوبه خود جهان را به وجود می‌آورند. ویتگنشتاین به دنبال نظریه‌ی اتمیسم منطقی راسل، معتقد است که زبان و عالم از عناصر بسیط منطقی ساخته شده‌اند. عناصر بسیط زبان، نام‌ها؛ و عناصر بسیط عالم، اشیاء هستند. نام، نشانه ساده‌ای است که در قضیه به کار می‌رود. این نشانه‌های ساده بسیط‌اند و از نشانه‌های دیگر ترکیب نشده‌اند. او بر این باور است که در برابر هر نامی یک شی یا یک موضوع قرار دارد و این اشیاء یا موضوع‌ها، عناصر بسیط عالم به شمار می‌روند و جوهر و حقیقت عالم را می‌سازند؛ بنابراین خود نمی‌توانند مرکب باشند. از نظر ویتگنشتاین، یک نام تصویر واقعیت نیست بلکه قضیه است که با ترکیبی از نام‌ها می‌تواند واقعیت را تصویر کند.

او در «رساله» از تصویر معنا سخن می‌گوید. این تصویر را کلماتی که در یک جمله در کنار هم چیده می‌شوند ایجاد می‌کنند. فصل مشترک جمله‌ها و امور واقع در جهان تصویری هستند که ایجاد می‌شوند. اجزا و عناصر تصاویر نیز دارای همان ترتیبی هستند که در دنیا وجود دارد. به گفته ویتگنشتاین، «در هر تصویر، باید میان عناصری تصویر و اشیاء از نظر وضعیت<sup>۱۱</sup> امور تناظر یک به یک وجود داشته باشد... هر تصویر یک واقعیت است، یعنی این واقعیت که عناصر آن تصویر به صورت معین با یکدیگر مرتبط هستند (نورمن، همان). طلعتی (۱۳۸۲) نیز می‌نویسد { ویتگنشتاین مقدم معتقد است { در برابر هر نامی، یک شی یا یک موضوع قرار دارد و این اشیاء یا موضوعات، عناصر بسیط، عالم به شمار می‌روند. این عناصر بسیط جوهر و حقیقت عالم را می‌سازند و در نتیجه خود نمی‌توانند مرکب باشند. یک نام، تصویر واقعیت نیست، بلکه قضیه‌ای است که با ترکیبی از «نام‌ها» می‌تواند واقعیت را تصویر کند.

## ۲.۲. معناداری

آتش صدف (همان) در توضیح معناداری از نظر ویتگنشتاین می‌نویسد به اعتقاد او، هر زبان معناداری باید در تحلیل نهایی، به چیزی تحلیل پذیر باشد که ویتگنشتاین آن را گزاره‌های ساده می‌نامد.

به عقیده ویتگنشتاین، زبان از واقعیت نشات می‌گیرد و بنابراین ساختار عالم، ساختار زبان را تعیین می‌کند. از سوی دیگر زبان ذاتا دارای خصلت تصویری است و وظیفه واقعی آن، توصیف امور واقع یا واقعیت است.

ندرلو (همان) به نقل از کوپر (۱۳۸۰: ۵۱۰) اضافه می‌کند شاخص‌ترین وجه فلسفی مدرنیسم، باور به حضور حقیقت و توانایی منحصر به فرد خرد در کشف آن است که از آن به متافیزیک حضور<sup>۱۱</sup> تعبیر می‌شود. ویتگنشتاین در پیشگفتار رساله مدعی است که چنین حقیقتی را کشف کرد است. به باور او، «ما می‌توانیم از طریق پژوهش‌های فلسفی درباره ماهیت زبان به حقیقت جهان نائل شویم».

ویتگنشتاین از این گفته‌ها به این نتیجه می‌رسد که آنچه را که زبان منعکس می‌کند همان واقعیت جهان است، در نتیجه زبان منعکس کننده‌ی واقعیت و مرز بین معنا و بی‌معنایی است.

ویتگنشتاین در رساله منطقی - فلسفی ملاک و معیاری برای معناداری و چگونگی شکل‌گیری معنا ارائه می‌دهد که با استفاده از آن می‌توان حد و مرز مشخص و قاطعی میان امور معنادار و بی‌معنا می‌توان ترسیم کرد. آتش صدف (همان) بیان می‌کند: «جهان متشکل از «امور واقع» است و امور واقع همان نسبت‌های اشیاء با یکدیگر در جهان خارجند. به عنوان مثال، در جهان پیرامون با اموری مواجه می‌شویم مانند اینکه کتابی روی میز است یا درختی در کنار گل و پروانه‌ای در یک باغ قرار دارد و... کاربرد زبان می‌تواند متناظر با امور واقع در عالم خارج، واژگان مختلفی را به کار گیرد و گزاره‌هایی را بسازد. اگر گزاره‌های ساخته شده ناظر به وضعیت ممکن در عالم خارج باشند به نحوی که بتوان آن‌ها را در فضای منطقی نمایش داد، گزاره ساخته شده دارای معناست».

بنا به آنچه که در «رساله» آمده، همان گونه که ترکیب اشیاء با یکدیگر، امور واقع را تشکیل می‌دهد ترکیب نام‌ها در زبان، گزاره‌ها را می‌سازد که کوچک‌ترین واحد معناداری است. ویتگنشتاین برای توضیح منظور خود درباره حدود معنا از تصویر و عمل تصویرسازی کمک می‌گیرد. بنابر آموزه‌های رساله، مطابق با فهم متعارف، معنای یک تصویر نقاشی شده به صورت مستقیم و غیر استنتاجی درک می‌شود، به طوری که برای فهم معنای آن نیازی به مراجعه به تصاویر دیگر نیست، زیرا در غیر این صورت با تسلسلی بی‌پایان مواجه شده و هیچ‌گاه معنای یک تصویر پیدا نخواهد شد. آتش صدف (همان) می‌نویسد در واقع مولفه‌های متعدد یک تصویر به نحوی مشخص با یکدیگر ترکیب می‌شوند و بر اثر این تعامل و تالیف، مخاطب تصویر، معنایی را در آن درک می‌کند (می‌بیند) به همین ترتیب، مولف‌های مختلف یک گزاره نیز با یکدیگر ترکیب می‌شوند و کاربران زبانی که مخاطب این گزاره هستند به همان شیوه‌ای که معنای یک تصویر را در می‌یابند معنای گزاره تالیف شده از مولفه‌های مختلف را در می‌یابند، مشروط بر اینکه گزاره مذکور ناظر به وضعیت ممکن در عالم خارج باشد. به تعبیر دیگر معنای یک گزاره در درون خود گزاره ساخته می‌شود و نباید آن را بیرون از گزاره جست.

پورهمرنگ (۱۳۹۲) در توضیح درباره نظریات ویتگنشتاین عنوان می‌کند: «هر اسم، مدلولی دارد، یعنی متناظری در جهان خارج دارد. هر گاه اسم‌ها به نسبتی خاص در کنار یکدیگر چیده شوند به نحوی که این نسبت منطبق با نظیرش در جهان خارج می‌تواند آینه‌ی تصویری باشد که در جهان خارج وجود دارد. از این رو هم ساختار جملات آینه‌ی جهان واقعی است و هم جهان واقعی آینه‌ی ساختار زبان و جملات».

در واقع، ویتگنشتاین با شکافت و تحلیل ساختار زبان در صدد کشف ساختار جهان و جداکردن امر واقعی را از غیر واقعی و نیز معنا را از آنچه بی‌معناست می‌باشد. پورهمرنگ (همان) معتقد است برای رسیدن به آنچه در بالا ذکر شد، ویتگنشتاین به ویژگی‌های سطحی زبان نظر ندارد، بلکه زیرساخت‌های جملات مورد توجه خود قرار می‌دهد که از آن‌ها به عنوان «جمله‌های ابتدایی» یاد می‌کند. جمله‌های ابتدایی در آن سوی رابطه‌ی تصویر با ساخت واقعیت قرار دارند. اما جمله‌ها همواره ایجابی نیستند بلکه می‌توانند سلبی نیز باشند. به عنوان مثال، وقتی می‌گوییم «یک درخت در باغچه هست» وضعیتی واقعی را به تصویر کشیده‌ایم، اما وقتی گفته‌شود «یک درخت در باغچه نیست»، واقعیتی که به تصویر در می‌آید دلالت بر نیستی دارد.

### ۲,۳. اشکالات نظریه تصویری

بخشایش (۱۳۷۹) این اشکال را به نظریه «رساله» ویتگنشتاین و به‌خصوص نظریه تصویر وارد می‌کند که تئوری تصویر محدود است و گزاره‌هایی چون گزاره‌های ارزشی، دینی، اخلاقی و هنری را شامل نمی‌شود در حالی که بسیاری از گزاره‌هایی که مکالمات روزمره‌ی ما را شامل می‌شود همین گزاره‌ها هستند.

### ۳. ویتگنشتاین دوم و نظریه بازی‌های زبانی

ویتگنشتاین در دوره‌ی دوم حیات فلسفی‌اش نظریه‌ی تصویری معنا را رها کرد و به نقد نظریات پیشین خود پرداخت. در این‌جا، او به‌جای تصویر معنا و قائل بودن به این‌که جمله چون یک تصویر و دارای معنا و مفهوم است، نظریه‌ی کاربردی یا ابزاری معنا را که بیان می‌کند معنای یک جمله را کاربرد<sup>۱۲</sup>، استعمال<sup>۱۳</sup> و یا به‌کار بستن<sup>۱۴</sup> آن است (نورمن، همان: ۲۲) معرفی کرد. نورمن (همان) می‌افزاید: "منظور ویتگنشتاین از کاربرد، شرایط خاص و محیطی است که در آن، جمله گفته یا نوشته می‌شود. کاربرد یک اصطلاح، بازی زبانی است که اصطلاح در آن نقشی ایفا می‌کند." طلعتی (همان) در توضیح در رابطه با دو فلسفه متقدم و متاخر ویتگنشتاین این‌گونه بیان می‌کند که "تصویر بنا به ماهیت خاص خود نشان دهنده وضع خاصی است، در حالی که ابزار ماهیتاً برای انجام کارهای مختلف و ابراز مطالب گوناگون است. این برداشت {ویتگنشتاین} را به این نتیجه می‌رساند که انواع کاربردهای زبان نامحدود است؛ به نظر ویتگنشتاین دوره متقدم، زبان واحد است، اما در دوره متأخر انواع زبان‌ها مطرح می‌شود. او این انواع زبان‌ها را «بازی‌های زبانی»<sup>۱۵</sup> نام می‌نهد."

### ۳,۱. بازی‌های زبانی

ویتگنشتاین زبان را به بازی تشبیه می‌کند؛ زیرا بازی مجموعه‌ای از حرکات است که از روی قاعده و قانون انجام می‌شود. بازی زبان نیز از قواعد و قانون خاص خود پیروی می‌کند. معنای هر کلمه به کمک قواعد دستوری، که آن کلمه هماهنگ با آن در زبان به کار می‌رود، تعیین و ساخته می‌شود. بازی‌های زبانی نمایان‌گر شیوه‌های زندگی طبیعی روزمره است که ما به آن توجهی نداریم. بازی‌های زبانی به‌این دلیل که شیوه‌های زندگی طبیعی هستند، براساس قواعدی وضع شده‌اند که وجه جامعی برای آن نمی‌توان تصویر کرد. این قواعد، خاص هر جمع یا گروهی است که از قبل به‌وسیله جامعه‌ای و به‌وسیله یک شیوه زندگی تعیین شده‌اند. بازی‌های زبانی چیزهای مقایسه‌ای هستند که واقعیت زبان را نه‌تنها از راه شباهت بلکه هم‌چنین تا حدودی با تأکید بر تفاوت‌ها روشن می‌سازند. او با ارائه این نظریه، واژه‌ها را هم چون ابزاری می‌داند که در جملات گوناگون کاربردهای مختلف پیدا می‌کنند. در این‌جا ساخت جهان واقعی نیست که ساخت زبان را تعیین می‌کند بلکه ساختار زبان است که چگونگی تفکر درباره‌ی جهان را معین می‌کند. مفاهیمی که زبان ارائه می‌کند نحوه‌ی اندیشه و نگرش انسان‌ها را نیز رقم می‌زند.

### ۳,۲. تفاوت دو نظریه

در نظریه‌ی اولیه، واقعیت‌های جهان هستند که مرز معنا و بی‌معنایی

جمله را مشخص می‌کنند، در حالی که نظریه‌ی دوم، معنایی که توسط واقعیت‌های جهان فراهم می‌شود تنها یکی از بازی‌های ممکن و موجود زبانی است. زبان، بازی‌های گوناگونی دارد که باعث تعبیر جهان می‌شود. در نظریه‌ی متقدم زبان چون تصویری تشبیه می‌شود و در نظریه‌ی دوم، زبان به‌عنوان ابزار است. تفاوت در این‌جاست که تصویر بیانگر جزئیاتی است که در عالم واقع وجود دارد اما ابزار می‌تواند کارکردهای مختلف داشته باشد. کلمات در نزد ویتگنشتاین نقش ابزاری دارند و همان‌گونه که هر ابزاری کار ویژه‌ای انجام می‌دهد، کلمات نیز هر کدام وظیفه مخصوص به خود دارند. هم‌چنین، همان‌گونه که میان کلمات شباهت وجود دارد، میان ابزارها نیز ممکن است نوعی شباهت یافت شود و این موجب اختلال در وظایف کلمات و ابزار نیست زیرا «همان‌گونه که کاربرد ابزارها متفاوت است، به همان صورت کارکرد کلمات نیز متفاوت است».

ندرو (همان) اظهار می‌کند:

"سراغ‌دوره دوم‌تفکر فلسفی ویتگنشتاین، نقد نظریه تصویری زبان به عنوان نظریه‌ی ای نادرست درباره زبان است (ویتگنشتاین ۱۳۸۰: ۱-۲۷). به باور ویتگنشتاین (همان: ۱۰۷-۱۰۸)، دیدگاه ذات‌گرایانه رساله با واقعیت‌های زبانی موجود هیچ‌گونه انطباقی ندارد. ویتگنشتاین دوم معتقد است زبان واقعیتی اجتماعی و در دسترس همگان است که نمی‌توان ماهیت آنرا با استدلال ذهنی محض به دست آورد. زبان به مثابه یک کنش انسانی در یک بافت اجتماعی ماهیتی بسیار پیچیده دارد و به همین علت نمی‌توان آنرا طبق یک سرنمون<sup>۱۶</sup> یا الگوی ساده توضیح داد. به پیشنهاد ویتگنشتاین بهتر است «توصیف» را جانشی «توضیح» کرد و به‌جای اندیشیدن به معناهای کنش‌های زبانی، کارکرد عملی آنها را در متن جریان زندگی نگریست."

براساس نظریه متاخر، زبان پیکره‌ای از بازی‌های مختلف است و به بیان دیگر، زبان کارکردهای متفاوتی دارد که تصویرگری از واقعیت تنها یکی از بی‌شمار کارکردهای مختلف زبان محسوب می‌شود. هریک از این بازی‌های زبانی با یک شکل زندگی<sup>۱۷</sup> همراه است و بنابراین، فهم یک بازی زبانی نیازمند فهم یا شرکت در شکل خاصی از زندگی است که بازی زبانی مورد نظر در بافت آن واقع می‌شود.

### ۳,۳. شباهت خانوادگی

در این‌جا باید به این نکته اذعان داشت که از زبان نمی‌توان تعریفی ارائه داد که همه‌ی کاربردهای آن را دربرگیرد، یعنی بیانگر ماهیتی واحد برای همه‌ی کاربردهای زبان باشد. زبان حتی قابلیت گسترش‌پذیری کلمه‌ها را نیز در بر می‌گیرد. به عقیده‌ی ویتگنشتاین در بین کلمه‌ها فقط «شباهت خانوادگی»<sup>۱۸</sup> به لحاظ کاربرد وجود دارد و امکان ارائه‌ی تعریفی که بازگو کننده‌ی ماهیت یکسان کاربردهای متفاوت یک کلمه باشد وجود ندارد. برای مثال کلمه‌ی "بازی" به انواع فراوان و بی‌شمار بازی‌ها اطلاق می‌شود، اما این بازی‌ها هیچ‌کدام از قاعده‌ی واحدی که برای همه‌ی آن‌ها صادق باشد پیروی نمی‌کنند. تفریح و سرگرمی بودن، چند نفره و یا تک نفره بودن، داشتن یا نداشتن تماشاگر، پرکردن اوقات فراغت، به عنوان حرفه و پیشه بودن و غیره، هر یک در بعضی از بازی‌ها مصداق دارد و در بعضی دیگر خیر. در نتیجه، یافتن ویژگی مشترک که این واژه برآن صدق کند امکان‌پذیر نیست و تنها تعدادی شباهت خانوادگی باقی می‌ماند.



## منابع

- آتشین صدف، معصومه. (بدون تاریخ). "ویتگنشتاین". برگرفته از سایت <http://www.pajoohe.com/fa/index.php?Page=definition&UID=46717>
- بخشایش، رضا. (۱۳۷۹). "فلسفه زبان ویتگنشتاین، مقدم و متأخر"، روش شناسی علوم انسانی، شماره ۲۴ و ۲۵، صص. ۵۸-۹۶.
- پورهمرنگ، نسرين. (۱۳۹۲). "زبان مبدا و غایتی برای تحلیل: بررسی آرای لودویگ ویتگنشتاین" برگرفته از سایت <http://www.pourhamrang.org/Article/Articles/Wittgenstein.htm>
- فن، ک. ت. (۱۳۸۱). مفهوم فلسفه نزد ویتگنشتاین، ترجمه کامران قره گوزلی، تهران: نشرمرکز.
- قائم‌نیا، علیرضا. (۱۳۷۲). "فلسفه ویتگنشتاین"، معرفت، شماره ۵، صص. ۱۶-۲۲.
- طلعتی، محمد هادی. (۱۳۸۲). "ویتگنشتاین: اندیشه فلسفی - دینی"، دانش پژوهان، شماره ۳.
- کوپر، دیوید. (۱۳۸۰). "پست مدرنیسم و چالش های فلسفی معاصر"، پست مدرنیته و پست مدرنیسم: تعاریف، نظریه ها و کاربردها، ترجمه حسین علی نودری، تهران: نقش جهان. مک‌گین، ماری. (۱۳۸۲). ویتگنشتاین و پژوهش های فلسفی، ترجمه ایرج قانونی، تهران: نشرنی.
- ملکوم، نورمن. (۱۳۹۲). "ویتگنشتاین مقدم و متأخر" ترجمه: رضا بخشایش، پژوهش های فلسفی - کلامی، شماره های ۹ و ۱۰.
- ندرلو، بیت الله. (۱۳۹۰). "نظریه بازی های زبانی ویتگنشتاین: یک نظرگاه فلسفی پست مدرن درباره زبان غرب شناسی بنیادی"، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال دوم، شماره اول، صص. ۸۷-۱۰۰.
- ویتگنشتاین، لودویگ. (۱۳۷۹). رساله منطقی-فلسفی، ترجمه میر شمس الدین ادیب سلطانی، تهران: امیرکبیر.
- ویتگنشتاین، لودویگ. (۱۳۸۰). پژوهش های فلسفی، ترجمه فریدون فاطمی، تهران: نشرمرکز.

تیلور (۱۹۹۵) در توضیح بیشتر در این مورد می نویسد ویتگنشتاین با استفاده از عنوان "شبهات خانوادگی" ساختار "بازی" را بررسی می کند.

"از نظر او، بازی شامل انواع بازی ها مثل بازی های تخته ای، بازی های کارتی، بازی های توپی و بازی های المپیک می شود. او بیان می کند اعضای مختلف این مقوله به راحتی از اعضای غیرمقوله قابل تشخیص هستند، اگرچه مرز این مقوله واضح نیست و اعضا نه بر اساس ویژگی های مشترک، که بر اساس شبکه ای از روابط و شبهات های خانوادگی تعریف می شوند. در هر مقوله قطعاً ویژگی های متمایز وجود دارد و برخی اعضا بعضی از این ویژگی ها را دارند و برخی دیگر اعضا دارای ویژگی های دیگری هستند، هرچند ممکن است هیچ ویژگی نباشد که در همه اعضا و یا فقط در آنها مشترک باشد. ... شرط وارد شدن در یک مقوله، همسانی کامل نیست و نمیتوان انتظار داشت همه موارد کاملاً ویژگی های مشترک داشته باشند" (تیلور، ۱۹۹۵: ۳۸).

این نظر برخلاف همه ی سنت های نظری است که داشتن یک ویژگی ذاتی بین مصادیق مشترک را مسلم فرض می کند و لفظ را از آن جهت دارای معنا می پندارد که بر ویژگی ذاتی مشخصی دلالت می کند. این سنت نظری که لفظ بر ماهیت مشخصی دلالت می کند مدیون افلاطون و ارسطو است، اما ویتگنشتاین در نظریه ی دوم خود معتقد است تنها تعدادی شبهات های خانوادگی و به عبارت بهتر شبهات های ظاهری در کاربردهای گوناگون یک واژه قابل تشخیص است و نمی توان از هیچ ویژگی مشترک سخن به میان آورد.

لازم به توضیح است که اگر چه همه ی واژه ها در همه ی زبان ها چنین نیستند و واژه هایی نیز وجود دارد که معانی و تعاریف دقیقی دارند، اما به اعتقاد پورهمرنگ (همان)، هدف ویتگنشتاین از استفاده از شبهات های خانوادگی این است که نشان دهد وقتی در فلسفه صحبت از مفاهیم اساسی و بحث برانگیزی مانند خوبی، بدی، زشتی، زیبایی، درستی، نادرستی و... می شود ذهن نباید معطوف ماهیتی ذاتی و ریشه ای شود که موجود است، بلکه هدف فیلسوف باید جست و جو و کشف این ماهیت ها باشد.

## ۵. نتیجه گیری

با توجه به جمع بندی بالا، به روشنی و به خوبی می توان تغییر و تحولات فکری ویتگنشتاین در دو دوره ی ذکر شده را مشاهده کرد. نتیجه آن که، ویتگنشتاین در فلسفه اولیه اش، یعنی در رساله، بر این باور بود برای این که زبان، واقعیت را نمایش بدهد و جمله ها نماینده اوضاع واقعی باشند، باید چیزی بین جمله و وضع واقعی معنا مشترک باشد.

ازاینرو و ساختار جهان واقعی، ساخت زبان را تعیین می کند. اما اودر پژوهش های فلسفی، نظریه تصویری را کنار گذاشت و تصور کاربردی یا ابزاری معنا را به کاربرد. بنا بر نظر او در این دوره، زبان ما است که چگونگی تفکر ما را درباره جهان واقعی تعیین می کند و زبان واقع گویی تنها یکی از انواع سخن در میان بسیاری از انواع دیگر است، فقط یکی از انواع "بازی زبانی" در میان تعداد نامحدودی از سایر انواع بازی های زبانی است. از اینرو زبان کاربردهای متعدد و متنوعی دارد. زبان صرفاً بیانگر واقعیت نیست بلکه بر واقعیت نیز تأثیر می گذارد.

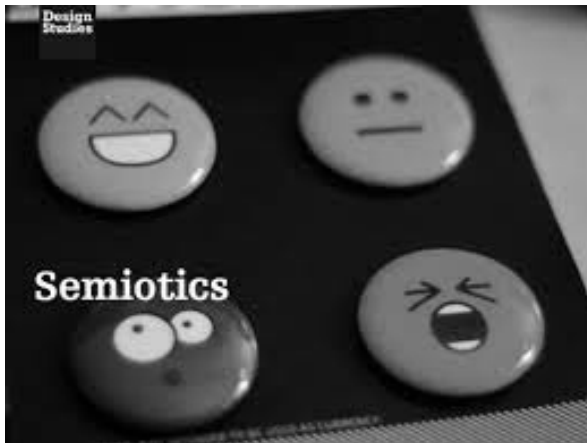
1. linguistic ontology
2. picture theory of language
3. proposition
4. elementary propositions
5. truth function
6. names
7. objects
8. facts
10. Sachverhalt
11. the metaphysics of presence
12. use (gebrauch)
13. employment (verwendung)
14. application (anwendung)
15. language games (sprachspiel):
16. prototype
17. form of life
18. family resemblance

۹. در این جا تاثیر نظریات راسل در مورد اتمیسم منطقی (Logical Atomism) را به خوبی می توان شاهد بود. او به دنبال نظریه اتمیسم منطقی راسل، معتقد است که زبان و عالم از عناصر بسیط منطقی ساخته شده اند. عناصر بسیط زبان، نامها و عناصر بسیط عالم، اشیاء هستند. معصومه آتشین صدف می نویسد: "ویتگنشتاین که در دوره نخست تفکر خود، از یک سو تحت تاثیر سنت پوزیتیویستی و تجربه گرایی انگلستان قرار دارد و از سوی دیگر با بهره گیری از اندیشه های برتراند راسل و «اتمیسیم منطقی» دچار نوعی شیفتگی در برابر زبان و جمله های زبان می شود، تلاش تازه ای را برای ویران کردن همه مسائل مرسوم فلسفی و به ویژه مسائل مابعدالطبیعی آغاز می کند؛ کاری که در سنت فلسفی غرب چندان تازگی نداشت. اما تازگی کار ویتگنشتاین از این جهت بود که او می خواست این کار را با استفاده از بنیان نهادن روشی نوین در انتقاد از زبان و ساختمان محتوای آن انجام دهد".



### نشانه سازی<sup>۳</sup>

کرس و لیوون (۱۹۹۶:۶) معتقدند که مفهوم اصل نشانه سازی "نشانه" و یا به عبارت بهتر "نشانه سازی" است. کرس و لیوون در ادامه می افزایند که منظور آن ها از مفهوم نشانه تا حدی با آن چه که در نشانه‌شناسی (Semiology) است فرق دارد. آن ها نشانه‌شناسی را (Semiology) اطلاق می کنند که در آن نشانه‌شناسی مکتب پاریس آموزش داده می شود. از منظر کرس و لیوون نشانه سازی و فرآیند نشانه سازی اهمیت بسیار دارد.



کرس و لیوون (۱۹۹۶:۷) باز نمود را فرآیندی می دانند که در طی آن نشانه ساز سعی بر آن دارد که باز نمودی از شی یا پدیده بسازد، خواه این پدیده فیزیکی باشد خواه مادی. در طی این فرآیند علاقمندی نشانه ساز به پدیده امری پیچیده است که دارای سابقه ای روان شناختی، اجتماعی و فرهنگی است. و تحت تاثیر بافتی است که در آن نشانه ساز، نشانه را می سازد. همین علاقمندی منبع گزینش جنبه های اصلی آن شی مدنظر می شود و آن گاه این جنبه های اصلی به عنوان نمایان گر کافی شی در یک بافت خاص مدنظر قرار می گیرد. به عبارت دیگر، شی هرگز به صورت کامل باز نمایانده نمی شود بلکه این جنبه های اصلی شی هست که نشانه ساز آن را باز نمایی می کند. در واقع، جنبه های اصلی نشانه در زمان فرآیند نشانه سازی با استفاده از مناسب ترین و بهترین شیوه های باز نمایی از جمله نقاشی، طراحی گفتار و غیره نشان داده می شود.

پس در حقیقت، نشانه ساز دارای یک معنا، یا مدلول، است که می خواهد آن را ابراز کند و او این کار را از طریق شیوه های نشانه شناختی موجود و شیوه هایی که به عنوان دال احساس می کند نسبت به سایرین بهتر و مناسب تر است، انجام می دهد. این امر نشانگر این است که در نشانه‌شناسی اجتماعی، نشانه ترکیبی از پیش تعیین شده از دال و مدلول نیست. در واقع، نشانه آن گونه که در نشانه‌شناسی ساختارگرا تصور می شود عنصری نیست که ساخته و انتخاب شود و به همان گونه نیز به کار برده شود و همچنین عنصری موجود و در دسترس برای استفاده نیست.

در نشانه‌شناسی اجتماعی بر فرآیند نشانه سازی تاکید می شود که در طی آن دال (صورت) و مدلول (معنا) نسبتاً از هم مستقل هستند تا اینکه نشانه ساز آن ها را کنار هم می گذارد و نشانه ای جدید می سازد. پیرو مطالب مطرح شده به این نتیجه می رسیم که نشانه در

چندلر (۱۳۳۹:۳۰۹) به نقل از جنسون می گوید که یکی از توجهات بنیادی نشانه‌شناسان اجتماعی به چیزی است که اغلب "فرآیندهای دلالتی خاص" نامیده می شود. این نشانه‌شناسان تغییر یافته که "نشانه‌شناسی پسا ساختارگرا" را تمرین می کنند بر چیزی به نام فرآیند نشانه‌شناسی اجتماعی تمرکز دارند. چندلر (۱۳۳۹:۳۱۱) نشانه‌شناسی را در هر دو شکل ساختارگرا و اجتماعی با ارزش می داند. نشانه‌شناسی ساختارگرا به دنبال نگاه کردن به پشت یا زیر سطح مشاهده پذیرها<sup>۲</sup> به منظور سازماندهی (نظام) متضمن پدیده هاست. کشف سطوح زیرین آن جنبه های سطحی که مربوط به سازماندهی ساختاری آشکارتر یک متن یا رمز است همواره مشکل تر است. جست و جوی آن چه در زیر مشهودات پنهان است می تواند به یک بینش بارور بینجامد و این درحالیست که نشانه‌شناسی اجتماعی اظهار می دارد که چگونه یک متن یکسان برای خوانندگان مختلف، معنای متفاوت خواهد داشت.

در نشانه‌شناسی اجتماعی نشانه ها توسط قراردادهای اجتماعی که آموخته می شوند به مدلول ها ارتباط پیدا می کنند. ما به این قراردادهای عادت می کنیم و آن ها در رسانه های مختلف "طبیعی" به نظر می آیند و بدین ترتیب تشخیص ماهیت قراردادی این روابط بسیار مشکل است.

این نظریه "واقعیت" را به پرسش می کشد و بر رسانگی و قرارداد باز نمایی در شکل رمزگان تاکید دارد و نظریه ای نسبی گراست، از این رو مورد انتقاد کسانی است که به واقع گرایی تمایل دارند. به عقیده اینان هر باز نمایی واقعیت به اندازه دیگری خوب است و همین امر نیز واقع گرایان را به وحشت انداخته است.

نشانه‌شناسان اجتماعی تمایل دارند به این موضوع توجه کنند که باز نمایی ها اصلاً برابر نیستند، در واقع هر نشانه ای که ارایه می شود ایدئولوژی نیز به همراه آن ارایه می شود و هیچ نظام نشانه ای که به طور ایدئولوژیکی خنثی باشد، وجود ندارد و نظام های نشانه ای در واقع به طبیعی سازی و تقویت چارچوب های خاصی که می گویند " چگونه چیزها وجود دارند" کمک می کنند، با این وجود، عملکرد ایدئولوژی در فرآیندهای دلالتی همواره پوشیده می ماند.

اگر نشانه نه فقط بازتابی از واقعیت بلکه درگیر در بنای واقعیت باشد، آن گاه کسانی که نظام های نشانه ای را کنترل می کنند، بنای واقعیت را تحت کنترل خود دارند. گروه های اجتماعی مسلط به دنبال محدود کردن نشانه ها هستند تا به علایق آن ها ترتیب اثر داده شود و این معناها طبیعی جلوه داده شود. نشانه‌شناسان اجتماعی بر تنوع تفسیرها (در محدوده پارامترهای اجتماعی) تاکید دارند که این امر می تواند به مقابله با گرایش های اولیه به برابر گرفتن "محتوا" با معنا و اعمال مستقیم این موضوع بر "آثار رسانه ها" بینجامد.

واقع گرایان اصرار دارند که واقعیت مستقل از نشانه هاست اما نشانه‌شناسان اجتماعی بر نقش نظام های نشانه ای در بنای واقعیت تاکید دارند. آن ها معتقدند که هیچ چیز طبیعی در ارزش های ما وجود ندارد. این ارزش ها سازه های اجتماعی هستند که اختصاص به موقعیت ما در مکان و زمان دارند.

گزاره هایی که بدیهی، طبیعی، کلی، از پیش موجود، پایدار و مسلم به نظر می رسند، به روشی که نظام های نشانه ای در جوامع گفتمانی ما توسط آن عمل می کنند ساخته شده اند. اگرچه ممکن است چیزها به طور مستقل از نشانه ها وجود داشته باشد اما ما آن ها را فقط به واسطه نشانه ها می شناسیم و فقط آن چیزی را می بینیم که نظام های نشانه ای اجازه دیدن آن را می دهند.

نشانه‌شناسی اجتماعی ترکیبی انگلیخته و نه دلخواه از دال و مدلول است.

در نشانه‌شناسی (Semiology) انگیزه<sup>۴</sup> آن طور که در نظریه نشانه‌شناسی اجتماعی مطرح است معمولاً ربطی به فرآیند نشانه‌سازی ندارد بلکه بر حسب روابط درونی و بینابینی دال و مدلول تعریف می‌شود. مثلاً پرسش نشانه را به سه دسته شمالی، نمایه‌ای و نمادین تقسیم بندی می‌کند که رابطه دال و مدلول در هر کدام به ترتیب بر اساس شباهت، علت و قرارداد است که این امر خود مصداقی بر این قضیه است که نشانه نانگلیخته و دلخواهی است. برخلاف این نوع دیدگاه، در نشانه‌شناسی اجتماعی "انگیزه" در رابطه با نشانه‌سازی و بافتی که نشانه در آن تولید می‌شود، تنظیم می‌شود و این امر جدا از فرآیند قیاس و طبقه بندی صورت نمی‌پذیرد.

در نشانه‌شناسی سوسوری رابطه دال و مدلول رابطه‌ای دلخواهی و قراردادی است در حالیکه در نشانه‌شناسی اجتماعی این رابطه انگلیخته و قراردادی است. طبق این نظریه، در طیف فرآیند ارتباط، شرکت کنندگان برآیند پیامشان را در یک بافت بخصوص به صورت بهینه قابل فهم کنند. از این روی، آن‌ها صورت‌هایی از بیان را انتخاب می‌کنند که به نظر خودشان برای دیگر شرکت کنندگان آشکارتر و واضح تر است. از سوی دیگر، فرآیند ارتباط در ساختاری اجتماعی رخ می‌دهد که ناگزیر تحت تاثیر تفاوت‌های ناشی از قدرت است که این مسئله خود بر فهم بهینه تاثیرگذار است.

طبیعتاً شرکت کنندگان برای تفسیر پیام آن دسته از شرکت کنندگانی که در جایگاه قدرت هستند نیاز به تلاش بیشتری دارند و فهم بهینه<sup>۵</sup> در این دسته از شرکت کنندگان نسبت به گروهی دیگر که نهایت تلاششان را می‌کنند تا پیامی تولید کنند که تفسیر آن نیاز به تلاش کمتری داشته باشد و یا گروهی دیگر مانند کودکان و فراگیران زبان دوم که به دلیل عدم تسلط بر نظام بازنمودی، پیام‌های سخت‌تری تولید می‌کنند متفاوت است. در طی فرآیند بازنمون نیز نشانه‌سازی صورتی را برای بیان آن چه که در ذهن دارد انتخاب می‌کند که در بافت ویژه خود بهترین و موجه‌ترین صورت باشد.

سخنگویان یک زبان خارجی نیز دقیقاً همین استراتژی را به کار می‌گیرند. آن‌ها نزدیک‌ترین و قابل قبول‌ترین صورت ممکن را برای بیان آن چه که در ذهن خود دارند برمی‌گزینند. در این جا علاقمندی نشانه‌سازی باعث می‌شود که وی یک یا چند جنبه کلیدی و مهم شی را برای بازنمایی انتخاب کند و آن گاه نشانه‌سازی برای بازنمایی آن چه که مدنظرش است به سراغ بهترین و مقتضی‌ترین صورت ممکن می‌رود.

### نکته‌های مدنظر نشانه‌شناسی اجتماعی

اگرچه نشانه‌شناسی اجتماعی ملهم گرفته از نشانه‌شناسی مکتب پاریس و به ویژه آثار رولان بارت است اما این نظریه هم اکنون از نظر ساختار و نظام بسیار تغییر کرده است.

• همان طور که زبان‌شناسی نقطه تمرکز خود را از جمله به متن<sup>۶</sup> و بافت<sup>۷</sup> آن، و از دستور<sup>۸</sup> به گفتمان<sup>۹</sup> تغییر داد، در نشانه‌شناسی اجتماعی نیز نقطه تمرکز از نشانه برداشته شد و به منابع نشانه‌شناختی<sup>۱۰</sup> سوق پیدا کرد، یعنی شیوه‌ای که افراد از این منابع هم در جهت تولید رویدادهای ارتباطی و هم در جهت تفسیر آن‌ها به

کار می‌گیرند که خود شکلی از تولید نشانه‌شناختی در بافت موقعیتی و شرایط اجتماعی خاص است.

• به جای در نظر گرفتن ساخت شیوه‌های نشانه‌شناسی مجزا مانند نشانه‌شناسی تصویر، نشانه‌شناسی عکاسی، نشانه‌شناسی موسیقی و غیره، نشانه‌شناسی اجتماعی به مقایسه تفاوت‌ها و شباهت‌های این شیوه‌ها می‌پردازد و نکته‌های مشترک و متفاوت این شیوه‌ها را بررسی می‌کند و این که این شیوه‌ها چگونه در راستای ایجاد یک رویداد چند شیوه درهم ادغام می‌شوند.

• نشانه‌شناسی اجتماعی شیوه‌های<sup>۱۱</sup> اجتماعی را طوری توصیف نمی‌کند که گویی این شیوه‌ها دارای ویژگی‌های درونی، قوانین و نظام ذاتی باشند بلکه نشانه‌شناسی اجتماعی نقطه توجه خود را به این امر معطوف می‌کند که افراد چگونه از منابع نشانه‌شناختی در بافت اجتماعی خاص و به شیوه‌های متفاوت و با درجات مختلف استفاده می‌کنند. در نهایت باید گفت که نشانه‌شناسی اجتماعی خود یک روال<sup>۱۲</sup> یا روند است، روندی که در آن به مشاهده و تحلیل پرداخته می‌شود و ما را نسبت به پیچیدگی‌های تولید و تفسیر نشانه‌ها و قراردادهای اجتماعی آگاه می‌سازد و هم چنین ما را به سمت کشف منابع نشانه‌شناختی جدید و راه‌های جدید استفاده از این منابع نشانه‌ای سوق می‌دهد.

### اصول نشانه‌شناسی اجتماعی

• نشانه‌شناسی اجتماعی یک نظریه صرف و یک زمینه محدود به خود نیست. نشانه‌شناسی اجتماعی زمانی به وجود می‌آید که در مورد مسایل و نمونه‌های خاص به کار گرفته شود و اغلب نه تنها در مفاهیم و روش‌های نشانه‌شناختی غوطه‌ور است بلکه وارد دیگر زمینه‌ها نیز می‌شود. مثلاً در بررسی نشانه‌شناختی فضای اداری، نه تنها مفاهیم و روش‌های مربوط به نشانه‌شناسی اجتماعی مورد نیاز است بلکه باید از نظریه‌ها و روال‌های مدیریت و طراحی فضای اداری نیز بهره گرفت.

این امر در مورد نشانه‌شناسی اجتماعی نیز صدق می‌کند. این نظریه تنها زمانی شکل واقعی به خود می‌گیرد که با نظریه‌های اجتماعی درهم تنیده شود. این ویژگی بینا رشته‌ای بودن یکی از مشخصه‌های بارز و شایان توجه این نظریه است.

• نشانه‌شناسی اجتماعی نوعی کنکاش است و نمی‌توان به دنبال پاسخ‌های سطحی و دم‌دست برای آن بود. این نوع نشانه‌شناسی ایده‌هایی در جهت طرح پرسش و هم چنین شیوه‌هایی برای جستجوی پاسخ ارائه می‌دهد. در واقع ترغیب مخاطب به تفکر در مورد این پرسش‌ها و آزمودن آن‌ها و رسیدن به نتیجه‌گیری حاصل از تفکر خود، مدنظر نشانه‌شناسی اجتماعی است.

### منابع نشانه‌شناختی

اصطلاح منابع "نشانه‌شناختی" اصطلاحی مهم در نشانه‌شناسی اجتماعی است. این واژه برای اولین بار در آثار هلیدی (۱۹۷۸:۱۹۲) به کار گرفته شد که در آن مدعی شد که دستور یک زبان، رمزگان<sup>۱۳</sup> نیست و دستور زبان را نمی‌توان مجموعه‌ای از قواعد در نظر گرفت که برای تولید یک جمله صحیح به کار گرفته می‌شود، بلکه دستور

مانند اخم کردن یا یک رنگ خاص مانند قرمز در یک بافت خاص القا می کند ، نیست . ممکن است اخم کردن در یک بافت خاص دارای معنایی باشد که در بافت دیگر آن معنا را القا نکند.

اصطلاح "استطاعت"<sup>۱۵</sup> اصطلاحی است بسیار نزدیک به پتانسیل نشانه شناختی که برای اولین بار توسط گیبسون روان شناس به کار گرفته شد . گیبسون<sup>۱۶</sup> استطاعت را استفاده بالقوه یک شی خاص می دانست که نشات گرفته از ویژگی های قابل مشاهده آن است (لیوون، ۲۰۰۵، ص ۴) . ممکن است هر مشاهده گری مطابق با نیازها و علایق خود و طبق شرایط خاص موجود یک بالقوه خاص (پتانسیل) را در نظر بگیرد . این مفهوم بسیار شبیه به مفهوم "پتانسیل معنایی" هلیدی است که در آن دال های زبان شناختی واژه ها و جمله ها به جای این که دارای یک معنای خاص باشند دارای پتانسیل دلالت گر هستند و باید در بافت اجتماعی خود مورد مطالعه قرار گیرند .

تفاوت این دو در این است که اولی معنایی را نیز دربرمی گیرد که هنوز مشخص نشده اند و ممکن است بعدها کشف شوند اما دومی معنایی مدنظر قرار می دهد که هم اکنون در جامعه به کار می رود. حقیقت این که منابع دارای یک معنای عینی یکسان نیستند ، بدین معنا نیست که معنی برای همه آزاد است . در زندگی اجتماعی مردم مدام در تلاشند که کارکرد منابع نشانه-شناختی را ثابت و کنترل کنند و قوانینی را که خود می سازند توجیه کنند . درنهایت باید گفت که مطالعه پتانسیل نشانه شناختی یک منبع نشانه ای خاص در حقیقت مطالعه این است که این منبع چگونه بوده است ، چگونه هست و چگونه در جهت اهداف ارتباطی به کار می رود.

#### کتابنامه

- ۱) بارت، رولان. ۱۳۷۰. عناصر نشانه شناسی ترجمه مجید محمدی. تهران، انتشارات هدی.
- ۲) چندلر، دانیل. ۱۳۳۹. مبانی نشانه شناسی ترجمه مهدی پارسا. تهران، انتشارات سوره مهر.
- ۳) دو سوسور، فردینان. ۱۳۷۸. دوره زبان شناسی عمومی ترجمه کورش صفوی. تهران، هرمس.
- 1) Halliday, M.A.K.1978. Language as Social Semiotic. London, Arnold.
- 2)Hodge, R. Kress, G. 1988. Social Semiotics. Cambridge, Polity.
- 3) Kress, Gunther R. : Van Leeuwen, Theo. 1996. Reading Images the Grammar of Visual Design. London, Routledge.
- 4) Van Leeuwen.2005.Introducing Social Semiotics. London, Routledge.

- 1 - Foregrounding
- 2 - Objects
- 3 - sign - making
- 4 - motivation
- 5 - Maximal Understanding
- 6 - text
- 7 - context
- 8 - grammar
- 9 - discourse
- 10- Semiotic Resources
- 11- mode
- 12- practice
- 13- code
- 14- Plural meaning
- 15- affordance
- 16- Gibson

منبعی برای معناسازی است . لیوون این نظریه هلیدی را برگرفته است و آن را به شیوه های نشانه شناختی ربط می دهد . لیوون (۳:۲۰۰۵) منابع نشانه شناختی را به عنوان فعالیت ها و کنش هایی درنظر می گیرد که ما برای ارتباط به کار می گیریم حال این امور خواه به صورت فیزیولوژیکی از طریق دستگاه آوایی و یا حرکات صورت تولید شود یا از طریق تکنولوژی مثلا با مداد ، کاغذ ، جوهر ، سخت افزار و نرم افزار کامپیوتری یا ماشین های خیاطی، قیچی و دیگر ابزارآلات . در سنت به این ها "نشانه" می گفتند . مثلا اخم نشانه عدم پذیرش بود و یا این که رنگ قرمز نشانه خطر. نشانه ترکیبی بود از دال یک شکل مشاهده پذیر مانند حرکت خاصی در صورت و یا یک رنگ خاص و یک مدلول معنایی که دال القا می کرد مانند عدم پذیرش یا خطر . نشانه به عنوان مفهوم اصلی نشانه شناسی مدنظر قرار می گرفت . یکی از مشهورترین تعریف های نشانه شناسی متعلق به سوسور است که آن را علمی تعریف می کند که به مطالعه زندگی نشانه ها در درون یک جامعه می پردازد . اما در نشانه شناسی اجتماعی اصطلاح منابع نشانه شناختی ارجحیت دارد زیرا این تصور را از بین می برد که آن چه که نشانه به جای آن قرار می گیرد ازپیش تعیین شده است و کارکرد آن تاثیری بر آن ندارد . هاج و کرس (۱۸:۱۹۸۸) در بحث خود در مورد اثر ولوشینف یکی از برجسته ترین پیشگامان نشانه شناسان اجتماعی اظهار داشته اند که نشانه ها نمی توانند جدا از اشکال واقعی و عینی روابط اجتماعی باشند و بدون این روابط وجود ندارند .

نابراین در نشانه شناسی اجتماعی منابع همان دال ها هستند یعنی اشیا و کنش های مشاهده پذیر که وارد قلمروی ارتباط اجتماعی شده اند و دارای یک پتانسیل تئوریک نشانه ای هستند که مبتنی بر کاربردهای آن در گذشته و کاربردهایی که متعاقبا در آینده برحسب نیاز یا علاقه به وجود می آید ، می باشد . این کارکردها در بافت اجتماعی صورت می پذیرد و این بافت خود یا دارای بهترین قواعد و روال ها در جهت تنظیم چگونگی به کارگیری این منابع است و یا این که کاربر را در استفاده از منابع آزاد می گذارد . منابع نشانه-شناختی تنها محدود به گفتار ، نوشتار و عکس نیست . تقریبا هرچه که ما انجام می دهیم و یا هر چیزی که بتواند به طرق گوناگون و به شیوه های متعدد صورت پذیرد و اجازه تولید معنای فرهنگی و اجتماعی را بدهد به عنوان منبع درنظر گرفته می شود . مثلا راه رفتن را می توان به عنوان مثال برشمرد .

ممکن است تصور کنیم که که راه رفتن رفتاری غیرنشانه شناختی است و آن را تنها یک جابه جایی و حرکت فرض کنیم و آن را رفتاری مشترک مابین خودمان و دیگر گونه ها بپنداریم . اما باید در نظر داشت که خود راه رفتن شیوه های مختلفی دارد . راه رفتن زنان با راه رفتن مردان فرق دارد . مردم هر نقطه از دنیا به شیوه ی خود راه می روند . نهادهای اجتماعی، ارتش ، کلیسا و صنعت مد هر کدام دارای نوع راه رفتن مرسوم و سنتی منحصر به خود هستند . به محض این که بر ما مسجل شد که نوع خاصی از یک فعالیت فیزیکی و یا یک پدیده خاص دارای منبعی نشانه شناختی است این امر میسر می شود که پتانسیل و بالقوگی نشانه شناختی در راستای معناسازی توصیف شود مثلا چه نوعی از راه رفتن را مشاهده می کنیم و چه نوع معنایی از آن استنباط می شود؟ در این جا معنای متکثر<sup>۱۴</sup> نیز اهمیت می یابد ، زیرا همان طور که فرهنگ لغت ها نمی توانند معنایی را که هر واژه در یک بافت دارد پیش بینی کنند، بنابراین علائم نشانه شناختی نیز قادر به پیش بینی معنایی که فرضا یک نوع حرکت خاص از صورت

امروزه تهیه پروژه ها، مقالات، تحقیقات، پژوهش های علمی پایه ی اصلی آموزشهای آکادمیک می باشد که تمامی پژوهشگران با آن سر و کار دارند. مدیریت انبوه اطلاعات علمی کار بسیار سخت و وقت گیری است که ذهن پژوهشگران را به خود مشغول نموده و همواره زمان زیادی را از محققان می گیرد. نرم افزارهای گوناگونی جهت کمک به تسریع امر مدیریت متون و منابع و مأخذ وجود دارد که پژوهشگران و نویسندگان مقالات را کمکیکنند تا با ایجاد endnote یک بانک اطلاعاتی از مقالات، کتب و ... به آسانی تحقیق خود را سازماندهی نموده و به سادگی بر اساس استانداردها فهرست منابع و مأخذ آن را تهیه کند از جمله این نرم افزارها می توان به نرم افزار Endnote اشاره کرد. نرم افزارهای refrence manager دیگری نیز وجود دارد، می توان به mendely , refwork اشاره کرد. هر کدام از این نرم افزارها مزیت های خاصی دارند. نرم افزار اندنوت به این دلیل طرفداران بسیاری دارد که می توان پس از تنظیم کتابخانه به صورت افلاین و بدون اینترنت به تنظیم و ارتباط با ورد پرداخت.

### Endnote چیست؟

۶- ذخیره و سازماندهی جداول، تصاویر و نمودارها در کتابخانه مجازی

۷- ایجاد یک بانک اطلاعاتی به شکل کتابخانه مجازی

قابلیت بسیار مهم اندنوت این است که می توانید فرمت ها و استایل های ژورنال های مختلف را دانلود کرده و تنها با یک کلیک و در چند ثانیه همه منابع را به فرمت دلخواه خود برسانید. و از همه مهمتر این است که کتابخانه های خواهید داشت که مقالات در موضوعات مختلف به صورت طبقه بندی شده در آن وجود خواهد داشت و به راحتی با یک کلیک می توانید از میان انبوه منابع، مقاله مورد نظر را بیابید. این موضوع کمک بسیار شایانی به دانشجویانی که می خواهند پایان نامه بنویسند می کند.

تصور کنید برای ژورنال language مقاله ای نوشته اید، این مقاله به هر دلیلی رد می شود و شما می خواهید همین مقاله را به ژورنال دیگری مثلا linguistics بفرستید. میدانیم که حتما باید فرمت رفرنس نویسی هر ژورنال که معمولاً خاص ژورنال است را رعایت کنیم.

چنانچه بخواهید تغییرات رفرنس ها مثلاً بزرگ کردن حروف، نوشتن کامل اسم کوچک و یا تبدیل نقطه به کاما را با دست و در ورد انجام دهید ۳، ۴ روز وقت می گیرد. اما چنانچه این کار را به اندنوت بسپارید فقط ۲ یا ۳ ثانیه طول می کشد که تمام منابع را به هر فرمت و هر ژورنالی که دوست دارید، تبدیل کنید.

ورژن های مختلف endnote وجود دارد که هر ورژن جدید قابلیت های بیشتری نسبت به قبلی دارد، در حال حاضر ENDNOTE X۵ و X۴ در دنیا تدریس و کار می شود.

این نرم افزار به طور خلاصه و کلی در حقیقت پایگاهی جهت ذخیره و سازماندهی منابع مورد استفاده در نوشتن مقالات پایان نامه ها و کتابها میباشد. نرم افزار Endnote قادر است مدارک ذخیره شده در پایگاه را در فرمهای مختلف و مورد نیاز در واژه پرداز word وارد نماید.

### قابلیت های نرم افزار Endnote

۱- برقراری ارتباط با بانکها و پایگاههای اطلاعاتی و جستجوی اطلاعات در آنها

۲- انتقال و ذخیره اطلاعات کتابشناختی مقالات بازیابی شده از بانکها و پایگاههای اطلاعاتی در کتابخانه مجازی

۳- تهیه فهرست منابع و مأخذ برای پایان نامه، مقاله و ... بر اساس ۲۳۰۰ نوع استاندارد های کتابنامه نویسی

۴- به روز رسانی کتابخانه دیجیتال از طریق ارتباط با بانک ها و پایگاه های اطلاعاتی

۵- امکان انتقال اطلاعات کتابشناختی منابع از طریق سیستم دستی (ورود اطلاعات)

## ایجاد یک کتابخانه شخصی

اولین قدم در استفاده از این نرم افزار ساخت یک کتابخانه ی شخصی است، شما می توانید برای هر کدام از علایق یا زمینه ی تحقیقاتی خود یک کتابخانه ایجاد کرده و منابع خود را مدیریت کنید.

### ساخت کتابخانه

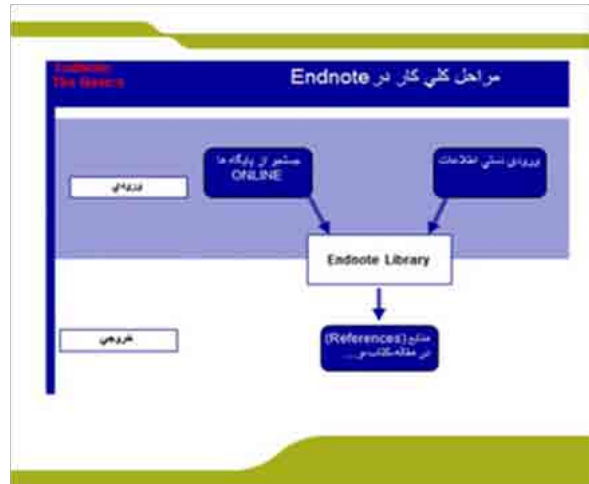
بر روی گزینه فایل کلیک کرده و دکمه ی NEW را انتخاب می کنیم. در این حالت یک اسم برای کتابخانه ای که می خواهیم بسازیم انتخاب کرده و گزینه ی SAVE را می زنیم.



### فراخوانی کتابخانه ها



## مراحل کلی کار با نرم افزار



### شروع کار

نرم افزار را می توانید از سایت زیر دانلود کنید.

<http://www.wikiresearchtools.com/includes/upload/Course/endnote/lesson1/EndNoteX7.zip>

دقت کنید که بعد از نصب فایل کرک را در محل نصب نرم افزار کپی کنید تا نرم افزار رجیستر شود.

با نصب نرم افزار یک گزینه در word اضافه می شود که در ادامه کاربرد آن را توضیح خواهیم داد.



از نصب مانند هر نرم افزار دیگری به منوی استارت رفته و نرم افزار را راه اندازی می کنید.



## وارد کردن رفرنس ها و منابع در کتابخانه ها

اگر تا به حال مقاله نوشته باشید می دانید که نوشتن بخش رفرنس ها، آن هم به صورت دستی چقدر سخت است به خصوص اگر با حجم زیادی از مقالات روبرو باشید که ندانید آنها را از کجا آورده اید. در این گونه موارد است که اهمیت استفاده از نرم افزار endnote مشخص می شود.

در این نرم افزار می توانید رفرنس ها را به چند روش وارد نرم افزار کنید:

– روش اول به صورت دستی است  
این روش را در ادامه به صورت ضمنی خواهید آموخت  
– روش دوم : استفاده از گزینه ی import citation  
وقتی در دیتابیس ها ( us, isi, scholar, ... )

و یا سایشن ترکرها ( us, isi, scholar, ... ) سرچ می کنید اگر دقت کنید گزینه هایی به نام export citation را خواهید دید، شما می توانید با انتخاب مقاله و گرفتن ریز فایل از این مقاله ها آنها را داخل نرم افزار وارد کنید.



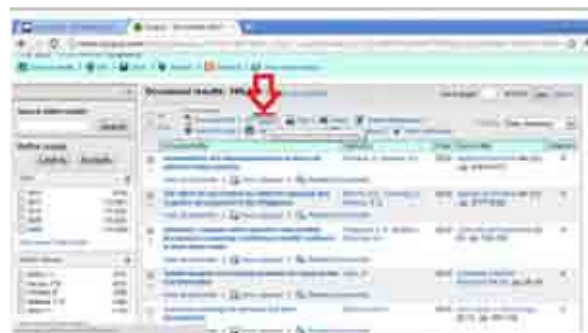
در مرحله بعد باید این فایلی که از این منابع استخراج کرده ایم را وارد نرم افزار نماییم.

حال چنانچه با جستجوگر Google chrome ریز فایل را دانلود کرده اید با یک کلیک وارد endnote می شود در غیر این صورت از قسمت فایل، Import، و بعد فایل دانلود شده (همان ریز فایل) را انتخاب می کنیم. با این کار فایل مربوطه وارد نرم افزار می شود.



## اما ریز فایل (micro file) چیست؟

همانطور که از نامش پیداست فایلی کم حجم است که پایگاه های اطلاعاتی در اختیار شما قرار می دهد، با دانلود این ریز فایل ها و وارد کردن آنها در کتابخانه Endnote همه اطلاعات درباره مقاله یا کتاب از جمله نام نویسنده، عنوان، سال، جلد و ... به صورت مرتب و به صورت رفرنس بندی شده در اختیار شما قرار می گیرد.  
با هم جستجو و دانلود ریز فایل برای endnote را در سایت Scopus.com و چند سایت دیگر را انجام می دهیم؛  
گفتیم که پس از مارک کردن جستجوها کلمه Export را انتخاب می کنیم:



در مرحله ی بعد هم می توانید ریز فایل استخراج کنید هم می توانید مستقیم داخل نرم افزار وارد کنید .

با کلیک روی گزینه ی مشخص شده خود به خود رفرنس ها وارد

در این مرحله می توانید اطلاعات کتابشناختی مقاله یا کتاب یا ... را به فرمت های گوناگون ذخیره کنید که البته هر فرمتی مورد استفاده و کاربردی دارد، یکی از مهمترین این فرمت ها ریز فایل است که در بالا به آن اشاره کردیم.

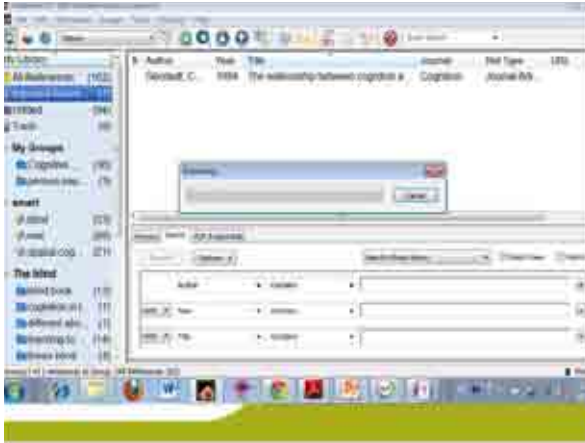




نرم افزار می شود.

## استخراج رفرنس ها از googlescholar

یکی از سایتیشن ترکرهای قوی که ما در بخش دیتابیس ها به طور کامل به معرفی آن خواهیم پرداخت googlescholar هست. اهمیت این سایت از آن جهت است که سرچ در این وب سایت مساوی است با سرچ در تعداد زیادی از منابع علمی. همین مزیت کافی است تا ما در استراتژی سرچمان حتماً سری به این سایت زده و کلید واژه ی خود را در آن جستجو کنیم.



## گرفتن ریز فایل از sciencedirect برای endnote



### منابع مهم برای این رشته

دکتر آرن استیب از دانشگاه Gloucestershire سایت مفیدی در زمینه مطالعات زبان‌شناسی زیست محیطی راه‌اندازی کرده‌است که اطلاعات و منابع به روز را در این سایت قرار می‌دهد. می‌توانید لیست مهمترین منابع در این زمینه را از قسمت کتابنامه سایت <http://www.ecoling.net/> دریافت کنید.

پروفسور آلوین فیل در دانشگاه Graz یکی از پیشروان این رشته و نویسنده مقالات و کتابهای زیادی در زمینه زبان‌شناسی زیست محیطی است که در سایت <http://www-gewi.uni-graz.at/ecoling/> می‌توانید با نمونه کار ایشان و دانشمندان دیگر در این زمینه مطالعاتی آشنا شوید. در فیس‌بوک گروهی به نام Ecolinguistics وجود دارد که اعضای گروه به تبادل نظرات و منابع در زمینه زبان‌شناسی زیست محیطی می‌پردازند.

<https://www.facebook.com/groups/1521818114717705>

چند مورد از مهمترین منابع در زمینه مطالعات زبان‌شناسی زیست محیطی

- Alexander, R., 2009. Framing discourse on the environment: a critical discourse approach. New York: Routledge.
- Benton-Short, L., 1999. Environmental discourse and practice. Oxford: Blackwell.
- Cox, J., 2012. Environmental Communication and the Public Sphere. 3rd Ed. London: Sage.
- Darier, E., ed., 1999. Discourses of the environment. Oxford: Blackwell.
- Doring, M., Penz, H., and Trampe, W., eds., 2008. Language, signs and nature. Tübingen: Stauffenburg.
- Dryzek, J., 2013. The politics of the earth: environmental discourses. 3rd Ed. Oxford University Press.
- Fill, A. and Muhlhausler, P., 2001. The ecolinguistics reader: language, ecology, and environment. London: Continuum.
- Harré, R., Brockmeier, J., and Muhlhauser, P., 1999. Greenspeak: a study of environmental discourse. London: Sage.
- Haugen, E., 1972. "The Ecology of Language". In: Essays by Einar Haugen (ed. Anwar S. Dil). Stanford U.P., pp. 325-339.
- Larson, B., 2011. Metaphors for environmental sustainability: redefining our relationship with nature. New Haven, CN: Yale University Press.
- Muhlhausler, P., 2003. Language of environment, environment of language: a course in ecolinguistics. London: Battlebridge.
- Nettle, Daniel and Suzanne Romaine (2000) Vanishing voices: the extinction of the world's languages. Oxford University Press.
- Sapir, E. (1912). "Language and environment", American Anthropologist. Apr.-Jan. 1912. Pp 226-242.
- Steffensen, S (2007): "Language, Ecology and Society: An introduction to Dialectical Linguistics." In: Bang and Døør, Language, Ecology and Society. A Dialectical Approach 2007. Pp. 3-31.
- Stibbe, A., 2015. Ecolinguistics: language, ecology and the stories we live by. London: Routledge
- Stibbe, A., 2012. Animals erased: discourse, ecology, and reconnection with the natural world. Middletown, CT: Wesleyan University Press.

زبان‌شناسی زیست محیطی یکی از رویکردهای کاربردی است که از سال ۱۹۹۰ با مطالعات آینار هاگن، زبان‌شناس آمریکایی-نروژی در دهه‌ی هفتاد میلادی، پا به عرصه‌ی مطالعات زبان‌شناسی گذاشت. هاگن با اشاره به رابطه‌ی بین زبان و محیط زیست اکولوژی زبانی را به صورت «مطالعه‌ی تعامل بین یک زبان خاص و محیط» تعریف کرد (استفنسن و بنگ ۲۰۰۷: ۵). زبان‌شناسان زیست محیطی چون مولهاسلر بر این باورند که زبان با جهان و محیط اطراف ارتباط تنگاتنگ دارد؛ بدین معنی که هم، زبان جهان را می‌سازد و هم، محیط اطراف ما زبان را می‌سازد.

سپیر (۱۹۳۹-۱۸۸۴) جزو نخستین زبان‌شناسانی است که به‌طور خاص ارتباط بین زبان و محیط زندگی را بررسی کرد و نشان داد چگونه عوامل بیرونی در زبان نمود پیدا می‌کنند. وی در مقاله‌ای با عنوان «زبان و محیط زیست» به این نکته اشاره می‌کند که عوامل اجتماعی منعکس کننده‌ی ساده‌ترین تأثیرات محیط هستند و خود این عوامل اجتماعی، ماهیتی زیستی و محیطی دارند چراکه انسان درون این عوامل زندگی می‌کند، با آن‌ها تعامل دارد و به آن‌ها واکنش نشان می‌دهد. از این رو سپیر محیط زیست را شامل عوامل فیزیکی (جغرافیا، آب و هوا، محیط طبیعی و...) و عوامل اجتماعی (هنر، مذهب، معیارهای قومیتی و نوع حکومت) معرفی می‌کند که شکل دهنده‌ی تفکر و حیات افراد آن جامعه هستند. هردوی این دسته عوامل در زبان افراد بازتاب می‌یابد و پیشینه‌ی محیطی آن‌ها به‌طور مادی بر زبانشان تأثیر می‌گذارد.

زبان‌شناسی زیست محیطی مطالعه‌ی زبان در کنار محیط‌های مختلفی است که زبان با آن‌ها تعامل دارد، یکی از این محیط‌ها می‌تواند زبان‌های یا فرهنگ‌های موجود در جامعه و حتی زبان‌های دیگر در ذهن زبانور مورد نظر باشد (آینار هاگن، ۱۹۷۲: ۳۲۵).

این رشته با تحلیل گفتمان و نشانه‌شناسی ارتباط دارد. و دانشمندان این حوزه تأثیر زبان و مؤلفه‌های مختلف زبان در تبلیغ برای جلوگیری از تخریب محیط زیست را نیز در حیطه مطالعات زبان‌شناسی زیست محیطی می‌دانند.

### وضعیت این رشته در دانشگاه‌ها

زبان‌شناسی زیست محیطی رویکردی در حال پیشرفت است و هم‌اکنون در چند دانشگاه مهم در کشورهای مختلف پایان‌نامه‌ها و رساله‌هایی نگاشته یا در حال نگارش است و درسهایی با این عنوان ارائه می‌شود. برای مثال دانشگاه Gloucestershire در انگلیس برای این رشته در همه مقاطع دانشجویی پذیرد. دانشگاه New Mexico در آمریکا نیز در مقطع دکتری این رشته دانشجویی می‌پذیرد. دانشگاه سائولو پائولو در برزیل نیز فعالیت‌های زیادی در زمینه نگارش کتاب و مقاله برای این حوزه انجام می‌دهند.



